



Ethical and Functional Foundations of Human Rights in the Eastern Approach

Tahereh Sadat Naeimi

Department of Fiqh and Law, Is.C. (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran
naemi.sadat@iau.ac.ir

Abstract

This study aims to identify the ethical and functional foundations of human rights within the framework of the Eastern approach by analyzing a set of perspectives, philosophies, and intellectual traditions that have developed in the East, particularly in the Asian continent. By identifying a range of ethical foundations through thematic structuring of sociological and legal sources, the present research employs thematic analysis as one of the widely used methods in qualitative research. Detailed datasets related to the ethical and functional foundations of human rights within the Eastern approach were extracted, and key patterns were vividly identified. The findings of the study indicate that the ethical foundations of human rights in the Eastern approach are primarily grounded in ethical and religious philosophies such as Confucian philosophy, Indian philosophical traditions, Buddhism, and Islamic human rights. These foundations possess both distinctive and, at times, overlapping features, which are analytically examined in this article. At the same time, the implementation and practical realization of each of these foundations encounter various challenges, including cultural differences, the influence of governmental policies, and social and economic inequalities. The practical analysis of these foundations requires careful consideration of cultural and historical differences within the Eastern approach so that, through an understanding of such differences, the existing challenges can be effectively addressed and resolved. Human rights, as one of the fundamental concepts of the contemporary world, encompass a set of inherent, inalienable, and non-derogable rights and freedoms belonging to all human beings. These rights exist regardless of gender, religion, race, language, or nationality and are characterized by features such as inviolability, legal enforceability, protection and guarantee, universality, and inherent nature. Given that the Eastern approach to human rights embodies multidimensional perspectives shaped by culture, religious thought, history, political considerations, and social conditions across different periods, the ethical and functional foundations of human rights within this framework require careful and meticulous examination and reflection upon cultural and historical differences. Taking into account such diversity and complexity

Cite this article: Naeimi, T.S. (2025). Ethical and Functional Foundations of Human Rights in the Eastern Approach. *Journal of Philosophy of Law*, 4(2), p. 181-198. <https://doi.org/10.22081/phlq.2025.71354.1103>

Received: 2025-08-10 ; **Revised:** 2025-10-15 ; **Accepted:** 2025-11-17 ; **Published online:** 2025-12-24

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights

Article type: Research Article

Publisher: Baqir al-Olum University



enables this approach to provide a more comprehensive and contextually appropriate interpretation of human rights. Furthermore, the distinctive orientation of the Eastern approach toward human rights—based on the aforementioned characteristics—represents a noteworthy perspective. One of its prominent features is the emphasis on community and social responsibilities. In contrast to the Western approach to human rights, which places greater emphasis on humanism and individualism, the Eastern perspective seeks to achieve a balanced outcome between the individual and the collective, thereby offering a more effective conceptual framework for the analysis of human rights.

Keywords: Eastern Approach, Eastern Ethical Philosophy, Human Rights, Solidarity, Justice and Equality, Human Dignity.

مبانی اخلاقی و عملکردی حقوق بشر در رهیافت شرقی

طاهره سادات نعیمی

گروه فقه و حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. naimi.sadat@iau.ac.ir

چکیده

این پژوهش با هدف شناسایی مبانی اخلاقی و عملکردی حقوق بشر در چارچوب رهیافت شرقی، به تحلیل مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها، فلسفه‌ها و شیوه‌های اندیشه‌ای شکل گرفته در شرق، به ویژه قاره آسیا، می‌پردازد. پژوهش حاضر با شناخت مجموعه‌ای از مبانی اخلاقی در قالب‌بندی با تحلیل مضامین در منابع جامعه‌شناختی و حقوقی، از روش تحلیل مضمون یا تحلیل موضوعی (تماتیک) به عنوان یکی از روش‌های پرکاربرد در پژوهش‌های کیفی استفاده کرده است. مجموعه داده‌های تفصیلی مرتبط با مبانی اخلاقی و عملکردی حقوق بشر در رهیافت شرقی استخراج و الگوهای کلیدی شناسایی شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مبانی اخلاقی حقوق بشر در رهیافت شرقی عمدتاً بر فلسفه‌های اخلاقی و دینی مانند فلسفه کنفوسیوسی، فلسفه‌های هندی، بودیسم و حقوق بشر اسلامی استوار است. این مبانی دارای وجوه متمایز و گاه مشترک هستند که در این مقاله به صورت مستدل تحلیل شده‌اند. در عین حال، هر یک از این مبانی در مرحله اجرا و پیاده‌سازی با چالش‌هایی همچون تفاوت‌های فرهنگی، تأثیرپذیری از سیاست‌های حکومتی، بی‌عدالتی‌های اجتماعی و اقتصادی مواجه هستند. تحلیل کاربردی این مبانی مستلزم توجه به اختلافات فرهنگی و تاریخی در گذار از رهیافت شرقی است، به گونه‌ای که با درک این تفاوت‌ها، چالش‌های پیش‌رو قابلیت حل و فصل داشته باشند. حقوق بشر به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین جهان معاصر، مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌های ذاتی، غیرقابل انتقال و غیرقابل انکار برای تمامی انسان‌ها است که فارغ از جنسیت، مذهب، نژاد، زبان و ملیت، از ویژگی‌هایی همچون غیرقابل نقض بودن، قابلیت قانونمندی، حمایت و تضمین، جهانی بودن و ذاتی بودن برخوردار است. لذا، با توجه به اینکه رهیافت شرقی به مباحث حقوق بشر، دارای دیدگاه‌های چندبعدی است که متأثر از فرهنگ، تفکرات دینی، تاریخ و ملاحظات سیاسی و شرایط اجتماعی در طول دوره‌های مختلف بوده، مبانی اخلاقی و عملکردی حقوق بشر در رهیافت شرقی نیازمند بررسی دقیق و تأمل در تفاوت‌های فرهنگی و تاریخی است. این رهیافت، با در نظر گرفتن تنوع و پیچیدگی‌های موجود، امکان ارائه تفسیری جامع‌تر و مناسب‌تر از حقوق بشر را فراهم می‌سازد. همچنین رویکرد خاص رهیافت شرقی نسبت به حقوق بشر، براساس شاخص‌ها و خصوصیات مذکور، رویکردی قابل توجه است؛ زیرا یکی از خصوصیات بارز رهیافت شرقی، اهتمام به جمع و مسئولیت‌های اجتماعی است، در تقابل با رویکرد غربی در حقوق بشر که به اومانیزم اهتمام می‌ورزد، به ثمره‌ای متعادل بین فرد و جمع ختم می‌شود و مفهوم کارآمدتری برای تحلیل حقوق بشر ارائه خواهد داد.

کلیدواژه‌ها: رهیافت شرقی، فلسفه اخلاقی شرقی، حقوق بشر، همبستگی، عدالت و برابری، کرامت انسانی.

استاد به این مقاله: نعیمی، طاهره سادات (۱۴۰۴). مبانی اخلاقی و عملکردی حقوق بشر در رهیافت شرقی. *فلسفه حقوق*، ۲۴(۲)، ص ۱۸۱-۱۹۸.
<https://doi.org/10.22081/phlq.2025.71354.1103>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۶؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۰/۰۳
© ۱۴۰۴ / نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند. نوع مقاله: پژوهشی. ناشر: دانشگاه باقر العلوم (ع)



۱. مقدمه

بازاندیشی در گستره و محدوده حقوق بشر اقتضاء می‌کند که مقوله حقوق بشر به عنوان یک مفهوم عمومی و جهانی، همراه با دارا بودن قدمتی قابل توجه، توسط فلاسفه قدیم و متفکران از سال‌های قدیم جمع‌آوری شده و با وجود برخی نقاط ضعف، از جانب بیشتر کشورهای متمدن در جهان امروز، مورد پذیرش قرار گرفته است. با این وجود، در گستره دانش جامعه‌شناختی به مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌هایی برای انسان‌ها و بلکه تمامی انسان‌ها اشاره می‌کند و به صورت اصل و در حقیقت بالذات و اصالتاً برای همه آحاد افراد به رسمیت شناخته می‌شود و از این نظر است که به بشر اختصاص دارد و دارای خصوصیت‌های قابل توجهی مانند ذاتی بودن اختصاص مندی آن به انسان‌ها است (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۲، ص ۲۵). به این معنا که به صورت طبیعی و ذاتی، به همه انسان‌ها تعلق دارد. به گونه‌ای که به اشخاص این توانایی را اعطاء می‌کند که به صورت ویژه و منفرد، مالک آن باشند. لذا، معنای سودبری یا منفعت‌گیری نیز از آن به ذهن متبادر می‌شود. همچنین نمی‌تواند به صورت انتخابی مورد نقض قرار گیرد. لذا، غیرقابل تکلیف است؛ اگرچه در برخی مناطق و کشورها ممکن است ضمانت اجرای ضعیفی داشته باشد. همچنین در کشورهای مختلف از جمله کشورهای شرقی، با تفسیرها و رویکردهای متفاوتی مواجه است. رهیافت شرقی به حقوق بشر می‌تواند تاثیرات فرهنگی، اجتماعی و تاریخی خاصی را بر این مفهوم بگذارد. از سوی دیگر، رهیافت شرقی^۱ مترادف با رویکرد یا شیوه یا نگرش شرقی که در مجموعه‌ای از فرهنگ‌های شرقی و تمدن‌های پدیدار شده در خاورمیانه، خصوصاً در قاره آسیا ساختار یافته، می‌تواند با فرهنگ‌های شرق آسیا مانند کشورهای کره، چین و ژاپن و جنوب آسیا مانند کشورهای پاکستان و هندوستان، ارتباط ساماننداری داشته باشد. بنابراین، می‌توان گفت، مبانی اخلاقی متدخل در رهیافت شرقی، به عنوان یک دیدگاه متفاوت و قابل توجه می‌تواند نسبت به حقوق بشر معرفی گردد و این از اهمیت قابل توجهی برخوردار خواهد بود؛ زیرا در طول تحقیق حاضر با تدبیر و تأمل در شاخص‌ها و مبانی اخلاقی حقوق بشر در پرتو رهیافت شرقی و با توجه به ساختار و بافتار رهیافت شرقی، نه تنها به غنی‌سازی مفهوم حقوق بشر می‌توان کمک کرد، بلکه می‌تواند چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی را در بحث‌های مربوط به حقوق بشر مطرح نماید. از این‌رو ضرورت و لزوم پژوهش حاضر حیثیت و قابلیت خواهد داشت.

۲. پیشینه پژوهش

دی باری^۲ (۱۹۹۸)، در پژوهشی به ارزش‌های قاره آسیا و رابطه آن با حقوق بشر با رویکرد اندیشه

1. Eastern approach

2. De Bary

کنفوسیوس پرداخته و در این زمینه به جنبه جمع‌گرایی این رویکرد اشاره شده و این رویکرد را به عنوان یک تکمیل‌کننده نواقص دیدگاه‌های مغرب‌زمین معرفی می‌کند.

بل و بایور^۱ (۱۹۹۹) نیز در پژوهشی به چالش‌ها و فرصت‌های مشهود در رهیافت شرقی و نگرش آنها به حقوق بشر پرداخته و دیدگاه‌های متفاوت کشورهای ژاپن و چین را نسبت به حقوق بشر جهانی بیان کرده‌اند.

کار^۲ و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهشی به تحلیل مقارنه‌ای از حقوق بشر بین ۱۲ کشور در قاره آسیا پرداخته و تفاوت‌های تحلیل آنها از حقوق بشر و نگرش مغرب‌زمین در این زمینه را بررسی کردند.

صدر (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «فلسفه‌های شرقی و حقوق بشر» به تحلیل دیدگاه‌های شرقی مانند کنفوسیوس، هندو و بودا در رابطه با حقوق اولیه بشر پرداخته است.

عباسی (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی به تحلیل برخی چالش‌های فرهنگی در اجرای حقوق بشر در جامعه شرقی پرداخته است.

وجه امتیاز پژوهش حاضر در این است که به مهم‌ترین مبانی اخلاقی و عملکردی حقوق بشر در رهیافت شرقی که ترکیبی از آموزه‌های فکری فلسفی و همچنین منطق و منطوق منابع اسلامی است، پرداخته و چالش‌های احتمالی را با رویکرد تحلیلی به تصویر می‌کشد.

۳. روش پژوهش

در پژوهش حاضر با هدف شناسایی مهم‌ترین شاخص‌ها و مبانی اخلاقی و عملکردی حقوق بشر با محوریت رهیافت شرقی و با شناخت مجموعه‌ای از مبانی اخلاقی در قالب‌بندی با تحلیل مضامین در منابع جامعه‌شناختی و حقوقی از روش تحلیل مضمون یا تحلیل موضوعی یا تحلیل تماتیک که از رایج‌ترین و پرکاربردترین شیوه‌ها بوده، استفاده شده که به عنوان شیوه شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای داده‌های کیفی شناخته می‌شود (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۳). به بیان دیگر، تحلیل مضمون به خودی خود شیوه‌ای مستقل و تحلیلی است که این قابلیت را دارد که در شیوه‌های تحلیلی دیگر نیز به کار برود. پژوهشگر در این شیوه، از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون‌داده‌ای و برون‌داده‌ای به سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد؛ به این معنا که در وهله اول، داده‌های خود را شناسه‌گذاری می‌نماید و پس از آن تحلیل داده‌ها را دنبال می‌کند و به این پرسش پاسخ می‌دهد که داده‌ها گویای چه چیز هستند؟ (محمدپور، ۱۳۹۰، ص ۶۶-۶۷). در تحلیل مضمون حداقل کار، سازمان بخشیدن و توصیف مجموعه‌ای از داده‌های پژوهش به تفصیل‌های غنی شده است؛ اگرچه در برخی

1. Bell & Bauer

2. Carr

مواقع از این امر هم فراتر می‌رود و در تحلیل مضمون می‌توان به شرح جنبه‌های مختلف از موضوع تحقیق دست یافت (Braun & Clarke, 2006, p. 7-8). لذا، پژوهش حاضر با شیوه مذکور به تحلیل مجموعه‌ای از تفکرات فلسفی مندرج در رهیافت‌های شرقی، مبانی اخلاقی و عملکردی حقوق بشر، در قالب بندی‌های اخلاقی - منطقی، همراه با تبیین چالش‌ها و راهکارهای مترتب بر آن می‌پردازد.

۴. شناخت مفاهیم بنیادین پژوهش

۴-۱. حقوق بشر

حقوق بشر ترکیبی اضافی از دو واژه «حقوق» و «بشر» است. فارغ از نوع معنایی حقوق و واژه بشر که تعریف آن از جمله اولیات و بدیهیات است، حقوق بشر به مجموعه‌ای از مزیت‌ها، آزادی‌ها و اختیارات برای همه افراد بدون هیچ‌گونه استثناء و تبعیضی اطلاق می‌شود که مشتمل بر تمامی حقوق مدنی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بوده و هدف اساسی آن تأمین و احتفاظ کرامت و احترام ذاتی، آزادی و برقراری عدالت فطری برای تمامی بشر است. لذا، خصوصیت فطری بودن، عام‌الشمول بودن، غیرقابل انتقال بودن و همه‌جانبه بودن (زندگی، آزادی بیان، حق رأی دادن، تحصیل، کار، بهداشت و سلامت و...) از مختصات بارز حقوق بشر محسوب می‌شود (فلسفی، ۱۳۷۴، ش ۱۶-۱۷، ص ۹۵). در این زمینه، وجود منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ و تکوین سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد با تدوین و ارائه میثاق‌نامه‌ها، کنوانسیون‌ها و مواد قانونی ناظر به حقوق بشر، به عنوان استاندارد جهانی به معرفی مصادیق حقوق بشر پرداخته‌اند (گلن، ۱۳۷۸، ص ۸۷-۸۸).

۴-۲. رهیافت شرقی

رهیافت شرقی ترکیب وصفی از دو واژه «رهیافت» دارای ویژگی شرقی بودن است. رهیافت در گستره لغت به معنای «رویکرد، روش، نگرش، پایه یا زیرساخت فکری انجام هر عملکردی» است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۹، ص ۴۲۲). لذا، رهیافت شرقی به مجموعه‌ای از تفکرات و فلسفه‌ها اشاره می‌کند که در قالب تمدن شرقی و فرهنگ‌های ناحیه شرق جهان، خصوصاً در قاره آسیا گسترش یافته‌اند. منشاء و تراکم این تفکرات و فرهنگ‌ها غالباً در جنوب آسیا مانند کشورهای پاکستان و هندوستان و شرق این قاره مانند کره، چین و ژاپن است. به بیان دیگر، رهیافت شرقی یک مفهوم کلی است که به تفکرات، فلسفه‌ها، و رویکردهای فرهنگی مرتبط با کشورهای آسیایی اشاره دارد. این رهیافت معمولاً بر پایه ارزش‌ها، باورها و اصولی است که در تاریخ و فرهنگ‌های شرقی شکل گرفته‌اند. رهیافت مذکور این قابلیت را دارد که ابعاد

۱. این اعلامیه در دهم دسامبر ۱۹۴۸ در قصر شایلو شهر پاریس، با ۴۸ رأی موافق، ۸ رأی ممتنع و بدون مخالف به تصویب رسید و دارای يك مقدمه و ۳۰ ماده است.

گوناگونی مانند هنر، علوم انسانی، دین و فلسفه را تحت پوشش قرار دهد. مشخصه مهم رهیافت شرقی، رسوخ فرهنگ‌ها و آداب و رسوم مشرق زمین در تاروپود تفکرات مبتنی بر آن است. استقراء مجموعه تمدن‌های شرقی در مشرق‌زمین حاکی از وجود خصوصیات منحصر به فردی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

اخلاق حسنه یا رفتار معتدلانه: در بسیاری از فرهنگ‌های شرقی، اصول اخلاقی و رفتار مناسب در تعاملات انسانی و روابط اجتماعی بسیار مهم است و به عنوان مبنای زندگی سالم و پایدار در نظر گرفته می‌شود. چنانکه فلسفه بعثت پیامبر (ص)، احیای مکارم اخلاقی یا خلیقات حسنه معرفی شده است (مجلسی، بی تا، ج ۶۸، ص ۳۷۳، ۳۸۲).^۱ به عنوان مثال، استقراء در مجموعه روایات معصوم حاکی از خصوصیات ارزشمندی در انسان است که به عنوان مکارم اخلاقی لازم برای یک انسان واقعی معرفی شده است. به گونه‌ای که لازم است با واجد بودن چنین خصوصیات اخلاقی، مایه زینت پیروان معصوم قرار گرفته است (مجلسی، بی تا، ج ۷۴، ص ۱۵۶-۱۵۸). برخی از مهم‌ترین این خصوصیات عبارتند از: تقوا، قناعت، صبر، شکر، حلم، حیاء، سخاوت، شجاعت، غیرت، نیکوکاری، راستگویی و ادای امانت که افزون بر وجود این خصوصیات در معصوم، بی‌تردید، راهکارهای رسیدن به این خصوصیات نیز باید در منطوق یا مفهوم سخنان معصوم وجود داشته باشد (شیخ صدوق، ۱۴۱۷ق، ص ۴۴۱-۴۴۸).

آرامش درون یا مدیتیشن ذهنی: تمرینات ذهنی مانند یوگا و مدیتیشن در فرهنگ شرقی به عنوان راه‌هایی جهت رسیدن به آرامش درون و فهم قوی‌تر و عمیق‌تر نسبت به وجود انسان شناخته می‌شوند (گوان، ۱۳۷۳، ص ۵-۶). همچنین به تمرینات معنوی شرقی نیز اشاره دارد که در قالب دهیانای بودیسم و هندوئیسم به معنای اجرای مدیتیشن یا تعمق در درون فرد اشاره می‌کند. به گونه‌ای که در حقیقت، بافتار این خصوصیت بر تجربه‌های شخصی و باطنی تأکید کرده و آن را به جای تجربیات صرف علمی یا عقلانی می‌پذیرد، یا آن را نسبت به تجربیاتی که صرفاً علمی و عقلی هستند، ترجیح می‌دهد. لذا، تمرینات روحی در خدمت تقویت این بُعد از ابعاد انسان قرار می‌گیرد (Chan, 1999, p. 110-117).

تقویت معنویت و معنایابی زندگی: در فرهنگ شرقی توجه ویژه به معنویت و بُعد معنوی انسان دارای اهمیت بسیاری است. معنویت برگرفته از کلمه لاتین «اسپیریتوس»^۲ مترادف با معنای نفس^۳ و نیروی درونی، جوهر زندگی، یا شعور باطنی^۴ در واقع، محدوده‌ای گسترده‌تر از معنای مذهب یا تفکر خاص و به معنای تعالی روح و ارتقای آن به گونه‌ای پویا، شخصی و تجربی است

۱. «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»

2. Spiritus

3. Spirit

4. Inner spirit, vital energy, life force

(Balboni & et al., 2007, p. 110-2007) به طوری که به معنای آگاهی از یک نیروی فراتر از بُعد مادی زندگی انسانی بوده و نوعی احساس عمیق از ایجاد وحدت یا پیوند یافتن با کائنات را پدیدار می‌سازد (Muller & et al., 2001, p. 228). یکی از مشخصه‌های اندیشه مبتنی بر معنویت، ترجیح اصل سنت، به معنای معنویت و رستگاری و رهایی از طریق سنت صرف است. در این اندیشه، سنت به معنای مجموعه حقائق یا اصولی است که دارای منشاء الهی می‌باشند و از طریق شخصیت‌های مختلف و معروف به پیامبران و رسولان، اوتاره تاره‌ها، لوگوس یا دیگر عوامل انتقال برای ابنای بشر و در حقیقت برای یک بخش کامل کیهانی آشکار شده و نقاب از چهره آنها برداشته شده است. به این معنا که امر الهی یا معنوی، در گستره سیر تاریخی و کیهانی، از خلال افراد و نمادهای مقدس به انسان‌ها شناسانده شده، در نتیجه، چهره حقیقت از پرده نهان بیرون آمده است. چنین معنویتی معادل دین بوده و در واقع به معنای همان اصولی است که از جهان علوی بر افراد ممتاز وحی شده و انسان را به مبدأ خویش متصل می‌سازد و رویکرد سنتی به معنویت همان ارتباط و حضوری است که با امر قدسی و مفهوم راست‌اندیشی با مرجعیت و استمرار و نظم و انتظام در منتقل شدن حقیقت امر با امر ظاهری و امر باطنی و حیات معنوی، دانش و هنر ارتباط دارد (نصر، ۱۳۸۸، ص ۱۵۵-۱۵۶). چنین معنویتی از درون سنت به دست می‌آید و معادل همان موهبت و رحمت جاویدان است که در منطق هر دینی مستقر شده و شامل نوعی سوفیا و حکمت بوده که به علت واجد بودن از منظر ذوقی (شهودی) خود در فرهنگ‌های مشرق و مغرب، برترین دستاورد انسان به‌شمار می‌رود. در این نوع معنویت است که انسان‌ها همگی به لحاظ انسان بودن فطرتاً و ذاتاً خیر و خوب می‌باشند و همگی از مواهب مخصوصی برخوردار هستند؛ زیرا این انسان است که واجد قدرت استدلال و تعقل بوده و می‌تواند اختیار یا گزینش داشته باشد (دال، ۱۳۷۲، ص ۱۲۲). بنابراین، معنویت و در نتیجه آن معنایابی زندگی یکی از اهداف مهم این فرهنگ‌ها است. به عنوان مثال، در فلسفه‌های چینی مانند کنفوسیوس و تائوئیسم هماهنگ شدن با طبیعت و زندگی ملایم و مطابق با اصول اخلاقی از اهمیت زیادی برخوردار است. همچنین تعالیم مذهبی مانند تائوئیسم، بودیسم، هندوئیسم و دیگر ادیان شرقی نیز بر این بُعد از ابعاد وجودی انسان تاکید می‌نمایند. اگرچه نقطه مشترک در این هماهنگی، تأمل در شهود درونی است که به عنوان نوعی هدایت‌گر مورد پذیرش قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، در نگرش انسان‌گرایانه معنویت هندوئیسم بر این نکته نیز تاکید شده که کافی است ما در خیال خود آنچه که می‌خواهیم را تجسم کرده و نسبت به آن باور داشته باشیم. نیروهای درونی عملاً ما را به سوی آنچه که طلب کرده‌ایم، هدایت خواهند کرد. لذا، برای عملی شدن هر طرح درونی، چهار مرحله را لازم می‌دانند: هدف مورد نظر تعیین گردد. آرمان یا تصویری واضح از هدف در ذهن نقش بسته شود. تمرکز لازم در بیشتر مواقع صورت گیرد و به آن انرژی مثبت اعطاء گردد و برای رخداد این مراحل، لازم است حالت مدیتیشن یا وضعیت آلفا وجود داشته باشد (گوان، ۱۳۷۱، ص ۱۹-۲۰). معنویت در این

رهیافت مشابه رهیافت دیگری به شکلی متمایز موسوم به «رهیافت وجودی»^۱ است که به ساحت‌های احساسی، عاطفی و روانی افراد توجه می‌کند. به این معنا که معنویت را به معنای احساس و عاطفه‌ای که فرد از رخدادها و پدیده‌های اطراف خود به دست می‌آورد، تلقی می‌نماید. این حس معنوی در برخی مواقع معادل با دینداری مرسوم معنویت نیست، بلکه فرد در درون خویش حس گناه یا ثواب دارد و به جنبه‌های تقلیدی یا تعبدی و عبادی دین نمی‌نگرد و اگر هم به این جنبه‌ها توجه کند، اهتمام او در غالب مواقع به عملکردهای روانشناختی و انسان‌گرایی است (دال، ۱۳۷۲، ص ۱۲۲-۱۲۵).

۳-۴. الفبای اولیه انسانیت

الفبای انسانیت، عبارتی دیگر از مکارم اخلاقی است که پیامبر (ص) فلسفه بعثت خویش را احیای آن معرفی نمود. این خصوصیات از بایسته‌های غیرقابل انکار در فرهنگ اسلام و مسلمین بوده و پیوسته از سوی پیشوایان دین اسلام بر آن تاکید شده است. استقراء در مجموعه روایات معصوم حاکی از خصوصیات ارزشمندی در انسان است که به عنوان مکارم اخلاقی لازم برای یک انسان واقعی معرفی شده است. برخی از مهم‌ترین این خصوصیات عبارتند از: تقوا، قناعت، صبر، شکر، حلم، حیا، سخاوت، شجاعت، غیرت، نیکوکاری، راستگویی و ادای امانت که به عنوان الفبای اولیه انسانیت در تجلی حقوق بشر راهگشا است.

۵. شاخص‌های اخلاقی مستعمل در حقوق بشر

مهم‌ترین شاخص‌های اخلاقی به کار رفته در حقوق بشر شامل موارد زیر است:

کرامت یا شرافت ذاتی انسان: الفبای اولیه تمامی عناصر حقوق بشر بر کرامت یا شرافت ذاتی انسان تاکید می‌کند؛ به عبارتی، ارج نهادن به انسان فارغ از هرگونه قومیت یا نژاد. به طوری که به عنوان مثال در ماده بیست و دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر بر این امر تاکید شده که تمامی افراد به عنوان عضو جامعه، این حق را دارند که از کرامت اجتماعی برخوردار باشند.^۲ چنانچه ماده (۱ و ۲) اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز تمامی افراد بشر را آزاد و از جهت کرامت و حقوق با یکدیگر برابر معرفی می‌نماید و هر انسانی را شایسته برخورداری از تمامی حقوق و آزادی‌هایی می‌داند که در اعلامیه مذکور ذکر شده است.^۳ لذا،

1. Exestanseal

2. Universal Declaration of Human Rights (1948). Article 22: Everyone, as a member of society, has the right to social security and is entitled to realization of the economic, social, and cultural rights indispensable for their dignity.

3. Universal Declaration of Human Rights (1948): Article 1: All human beings are born free and equal in dignity and rights. They are endowed with reason and conscience and should act towards one another in a spirit of brotherhood. Article 2: Everyone is entitled to all the rights and freedoms set forth in this Declaration, without distinction of any kind, such as race, color, sex, language, religion, political or

می‌توان بر این نکته تأکید ورزید که پایه حقوق بشر، کرامت ذاتی انسان است که بدون هیچ‌گونه تبعیض نژادی، قومی و ... لازم است محترم شمرده شود.

عدالت و انصاف: در ماده هفتم اعلامیه جهانی حقوق بشر صراحتاً تأکید شده که همه انسان‌ها در برابر قانون از برابری برخوردارند و بدون هیچ‌گونه تبعیضی این حق را دارند که از حمایت قانون به شکلی یکسان برخوردار باشند.^۱ لذا، می‌توان گفت، عملاً حقوق بشر بر توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها تأکید دارد و برابری همه افراد در برابر قانون را تضمین می‌کند.

آزادی و برابری بشری: تأکید اعلامیه حقوق بشر بر آن است که هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی را دارد؛ همچنانکه حق آزادی عقیده و بیان را دارد.^۲ لذا، حمایت از آزادی‌های فردی مانند آزادی بیان، آزادی تجمع و آزادی مذهب نیز از شاخص‌های اخلاقی مستعمل در اسناد حقوق بشر است. به طوری که هر فرد حق داشته باشد نظرات و باورهای خود را بدون ترس از سرکوب بیان کند. اصول برابری و غیرتبعیض، به‌ویژه در مورد نژاد، جنسیت، مذهب و دیگر ویژگی‌های فردی حائز اهمیت است.

مسئولیت‌پذیری حکام، شفافیت و پاسخگو بودن در مقابل آحاد جامعه: براساس ماده دهم و سیزدهم کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد که یکی از اسناد قابل قبول در حقوق بشر است، دولت‌ها موظف به ارتقای شفافیت در اداره امور عمومی هستند. همچنین باید اجازه مشارکت به جامعه مدنی داده شود و مشارکت جامعه مدنی و دسترسی آنان به اطلاعات برای مبارزه با فساد ضروری و لازم خواهد بود.^۳ بدین‌سان، دولت‌ها و نهادها مسئولیت دارند تا حقوق بشر را حفظ کرده و از نقض آن جلوگیری کنند. همچنین افراد نیز در قبال عمل‌های خود مسئول می‌باشند. از سوی دیگر، موظف به شفافیت در فعالیت‌های دولتی و عدم سوءاستفاده از قدرت به منظور حفظ حقوق بشر و جلب اعتماد عمومی می‌باشند.

احترام ویژه به محیط زیست و طبیعت افراد: حقوق بشر یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ویژه اخلاقی، احترام ویژه به محیط زیست و طبیعت اطراف انسان است. به عنوان مثال، براساس اصل اول و دهم

other opinion, national or social origin, property, birth or other status. Furthermore, no distinction shall be made on the basis of the political, jurisdictional or international status of the country or territory to which a person belongs, whether it be independent, trust, non-self-governing or under any other limitation of sovereignty.

1. Universal Declaration of Human Rights (1948). Article 7: All are equal before the law and are entitled without any discrimination to equal protection of the law.
2. Universal Declaration of Human Rights (1948). Article 3: Everyone has the right to life, liberty, and security of person. Article 19: Everyone has the right to freedom of opinion and expression.
3. United Nations Convention against Corruption (2003). Article 10: States are required to enhance transparency in their public administration. Article 13: The participation of civil society and access to information are essential for combating corruption.

اعلامیه ریو درباره محیط زیست و توسعه بر این امر تأکید شده که انسان‌ها محور توجه برای توسعه پایدار هستند و حق دارند از زندگی سالم و سازگار با طبیعت برخوردار باشند.^۱ همچنین دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری و دسترس به عدالت در مسائل محیط زیستی نیز ضرورتی غیرقابل انکار است.^۲ همچنان‌که احترام به طبیعت به عنوان یکی از اجزای کلی وجود و محیط زیست، از ارزشمندی زیادی برخوردار است. چراکه براساس ماده اول پروتکل اول کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، هر فردی این حق را دارد که از محیط زیست سالم برخوردار باشد^۳ و اعلامیه استکهلم درباره محیط زیست انسانی نیز بر این امر تأکید می‌کند که انسان علاوه بر حق بنیادین به آزادی و برابری، حق برخورداری از شرایط مناسب زندگی در محیط زیست خود را دارا است.^۴

اتحاد و همبستگی بین افراد جامعه: تأکید بر ضرورت همبستگی و همکاری بین کشورها و ملت‌ها برای ترویج و حمایت از حقوق بشر در سطح جهانی.

پذیرش تفاوت‌های فکری و فرهنگی: در اعلامیه حقوق بشر بر این امر تأکید شده که هر فردی حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود.^۵ همچنین می‌تواند به شکلی آزادانه در زندگی فرهنگی جامعه مشارکت داشته باشد. از سوی دیگر، دولت‌ها متعهد می‌شوند که حق هر فرد را در برخورداری از مشارکت در امور فرهنگی، بدون تبعیض نژادی تضمین کنند.^۶ شاخص‌های اخلاقی در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر، به خصوص اعلامیه جهانی حقوق بشر منعکس شده و به عنوان مبنایی برای ارزیابی وضعیت حقوق بشر در کشورهای مختلف در نظر گرفته می‌شود.

مبانی اخلاقی حقوق بشر در پرتو رهیافت شرقی: چنانچه در تعریف رهیافت شرقی بیان شد، این نوع رهیافت در واقع مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و فلسفه‌ها است که در قالب تمدن شرقی و فرهنگ‌های ناحیه شرق جهان، خصوصاً در قاره آسیا گسترش یافته و به عنوان یک مفهوم عام‌الشمول، در واقع مشتمل بر اندیشه‌ها و رویکردهای فرهنگی خاص در کشورهای آسیایی است. لذا، بی‌تردید، مبانی اخلاقی حقوق بشر در رهیافت شرقی، عمدتاً بر فلسفه‌های اخلاقی و دینی تأکید دارد. بدین‌سان استقراء در این محدوده، مجموعه تفکرات و فلسفه‌های کنفوسیوس و هندی که در مشرق زمین از قدمت و گستره قابل توجهی برخوردار بوده‌اند و همچنین تفکر دین اسلام که یکی از مهم‌ترین مصادیق رهیافت شرقی است، دارای

1. Rio Declaration on Environment and Development (1992).
2. Principle 1: Human beings are at the center of concerns for sustainable development and are entitled to a healthy and productive life in harmony with nature. Principle 10: Access to information, public participation in decision-making, and access to justice in environmental matters are essential.
3. European Convention on Human Rights (1950)
4. Stockholm Declaration on the Human Environment (1972)
5. Universal Declaration of Human Rights (1948)
6. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (1966)

مبانی اخلاقی قابل توجه است. جدول (۱) حاکی از وجود این مصادیق است.

جدول ۱ - مصادیق رهیافت شرقی - کاربست

ردیف	مصادیق رهیافت	مضمون پایه	کاربست	منابع
۱	فلسفه کنفوسیوس	ارزش‌های ذاتی انسانی، احترام به دیگران و احتفاظ هارمونی اجتماعی	ارزش‌های مطرح شده در فلسفه کنفوسیوس، حقوق بشر را به عنوان یک ضرورت غیرقابل انکار و نیاز ذاتی افراد در جامعه تلقی می‌کند.	The Essential Tao: An Initiation into the Heart of Taoism through the Authentic Tao the Ching and the Inner Teachings of Chuang-Tzu (Scharf, 1973)
۲	فلسفه‌های هندی	مفاهیم کاربردی آهانسا و ساتیا، کارما، مارکا، نیروانا، برهمن و آتمن، هینایانا	ارزش‌های مطرح شده مبتنی بر عدم اضرار به دیگران و لزوم کاربست صداقت در گفتار و رفتار است که به عنوان ارزش مطرح شده، نقش مهمی در ساختار حقوق بشری ایفا می‌کند.	The Central Conception of Buddhism and the Meaning of the world Dharma (Stcherbatsky, 1923)
۳	فلسفه اسلامی	ارزش‌های اخلاقی مستخرج از آیات و روایات	ارزش‌های مطرح شده مبتنی بر لزوم برپایی عدالت، قسط، انصاف، احسان، تقوا، رحمت و حفظ کرامت انسانی، نقش مهمی در ساختار حقوق بشری مطرح شده در تفکر اسلامی ایفا می‌کند.	مائه، ۲؛ نحل، ۹۰؛ انفال، ۲۴؛ یونس، ۲۴؛ ص، ۲۹؛ آل عمران، ۱۴۶؛ فصلت، ۳۰؛ زمر، ۵۳؛ مائده، ۱۰۵؛ حشر، ۱۸-۱۹؛ نجم، ۳۹-۴۰؛ اسراء، ۲۹، ۳۶؛ فرقان، ۷۷؛ یس، ۶۰-۶۱)

در این عرصه، مهم‌ترین مبانی اخلاقی حقوق بشر در پرتو رهیافت‌های شرقی مبتنی بر تفکرات فلسفی، عملکرد دولت‌ها و مجموعه‌ای از الگوهای فرهنگی ارائه شده توسط آنها است که در قالب ذیل قرار می‌گیرد:

۱- مبانی مبتنی بر تفکرات فلسفی و دینی

مبنای تفکرات فلسفی و دینی در مشرق‌زمین در سه گستره تفکرات کنفوسیوس، آموزه‌های بودیسم و آیین اسلام است:

الف) تفکر منحصر به فرد کنفوسیوس: فلسفه کنفوسیوس که در چین ریشه دارد، بر این باور است که رفتار اخلاقی و نیکوکارانه پایه‌گذار جامعه‌ای با ثبات و موفق است. ارزش‌هایی مانند «رابطه‌های انسانی» (رز) و «وفاداری»، زیرساخت‌های اخلاقی مناسبی برای حقوق بشر فراهم می‌کنند. در این راستا، حقوق بشر نه به عنوان حقوق فردی، بلکه به عنوان مسئولیت‌های متقابل افراد در جامعه دیده می‌شود (Scharf, 1973, p. 44).

ب) تفکر مبتنی بر آموزه‌های بودیسم: در بودیسم، مفهوم «آهانسا» (عدم آسیب) و دستیابی به رهایی از رنج به عنوان اصول کلیدی مطرح است. به این ترتیب، حقوق بشر در این فلسفه به حفظ کرامت و حرمت انسانی مرتبط بوده و بر اهمیت همدلی و همدردی تأکید دارد (Weber, 1958, p. 59).

ج) تفکر مبتنی بر آیین اسلام: حقوق بشر در اسلام عمیقاً با ارزش‌های عدالت، رحمت و رفتار مناسب در تعامل است. در قرآن کریم، آیات متعددی به حقوق انسان‌ها اشاره دارند. همچنین، سیره پیامبر اسلام (ص) به عنوان یک مدل رفتاری، از احترام به حقوق دیگران به‌شمار می‌آید. با این حال، تفسیرهای مختلف می‌توانند منجر به دیدگاه‌های مختلف درباره حقوق بشر در جوامع اسلامی شوند. جدول (۲) حاکی از مبانی مذکور است.

جدول ۲- مبانی اخلاقی حقوق بشر در پرتو رهیافت‌های شرقی

منشأ	کاربست	مضمون پایه	مبانی اخلاقی
به طور کلی در رهیافت‌های شرقی مذکور، مفاهیم پذیرش تفاوت‌های فرهنگی و	ارزش‌های مذکور، زیرساخت‌های اخلاقی مناسبی برای حقوق بشر از جهت مسئولیت‌پذیری و رسوخ اخلاقیات در خانواده و جامعه را فراهم می‌سازد.	زرز و وفاداری انسان از عناصر اخلاقی پایه در کنفوسیوس‌گرایی است. کنفوسیوس‌گرایی بر اخلاق، هماهنگی اجتماعی و احترام متقابل تأکید می‌کند.	مبنای اخلاقی مبتنی بر تفکر کنفوسیوس
اتحاد و همبستگی، اغلب از طریق اصول اخلاقی، فلسفی و دینی بیان می‌شوند. این مفاهیم در قالب اصولی مانند هماهنگی،	ارزش‌های مذکور جنبه مسئولیت‌های متقابل افراد در جامعه و لزوم اجتناب از رنج رساندن متقابل یا اضرار به دیگران را در جامعه فراهم می‌سازد.	«آهانسا» و دستیابی به رهایی از رنج دادن به دیگران، احتفاظ حرمت انسان‌ها از مبانی اساسی بودیسم است. ذن بودیسم بر درک عمیق از وحدت همه موجودات و پذیرش تفاوت‌ها تأکید می‌کند.	مبنای اخلاقی مبتنی بر آموزه‌های بودیسم
مهربانی، شفقت، وحدت در تنوع و انجام وظایف اجتماعی تجلی می‌یابند. این آموزه‌ها نشان می‌دهند که چگونه فرهنگ‌های شرقی به تفاوت‌ها احترام	نتیجه و کاربرد آن، همزیستی مسالمت‌آمیز بین افراد با تفکرات و آداب و رسوم مختلف است. همچنین جامعه بدون جنگ و نزاع بین هم‌نوعان را در عالم خارج و واقع جستجو می‌نماید.	اوپانیساده‌ها بر وحدت همه موجودات و پذیرش تفاوت‌ها تأکید می‌کند. سوتراهای بودایی بر مهربانی، شفقت و همبستگی بین همه موجودات تأکید دارند. داتو ده جینگ (تائوئیسم) بر هماهنگی با طبیعت و جامعه تأکید می‌کند.	مبانی اخلاقی مبتنی بر آموزه‌های متون مقدس
می‌گذارند و همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کنند.	نتیجه جمعی بودن زندگی و نفع جمعی و خدمت کردن فرد به نفع جمع، از مهم‌ترین کاربردهای این آیین است.	عملکرد بدون تلاش، لزوم همبستگی و همکاری طبیعی بین افراد	مبنای اخلاقی مبتنی بر آیین تائو
بقره، ۳۰؛ ۲۵۶؛ آل عمران، ۱۸-۲۰؛ انفال، ۴۲؛ نساء، ۹۸-۹۹؛ قصص، ۷۵؛ مائده، ۳۲.	ارزش‌ها نقش مهمی در ساختار حقوق بشری مطرح شده در تفکر اسلامی ایفا می‌کند.	لزوم تقوا، قسط و عدالت، آزادی‌اندیشه و عقیده، احتفاظ کرامت انسانی و احترام به حقوق هم‌نوعان و تعادل در ایجاد ارتباطات	مبنای اخلاقی مبتنی بر آیین اسلام

۶. چالش‌های پیش‌رو و راهکارهای راهبردی

عملکرد واقعی حقوق بشر در کشورهای واجد رهیافت شرقی معمولاً با چالش‌هایی مواجه است:

(۱) **تفاوت‌های تفسیری و تناقضات فرهنگی:** برخی از جوامع شرقی ممکن است تفسیرهای خاص خود را از حقوق بشر داشته باشند که با مفاهیم غربی همخوانی ندارد. این اختلافات فرهنگی می‌تواند به عدم پذیرش استانداردهای بین‌المللی منجر شود. مفاهیم حقوق بشر در غرب عمدتاً بر مبنای فردگرایی بنا شده‌اند، در حالی که در بسیاری از کشورهای شرقی، جمع‌گرایی و حفظ هارمونی اجتماعی اهمیت بیشتری دارد. این تضاد پایه‌های نظری و عملی مختلفی از حقوق بشر ایجاد می‌کند. این در حالی است که بسیاری از جوامع شرقی، در تراحم بین جمع و فرد، هارمونی اجتماعی و یا جمع‌گرایی را ترجیح می‌دهند (Donnelly, 2013). به طوری که برخی از دولت‌های شرقی از ارزش‌های فرهنگی به عنوان نوعی بهانه یا دستاویز جهت محدود کردن حقوق بشر استفاده می‌نمایند (Sen, 1997). چنانچه در برخی منابع به شکلی مستدل، چالش‌های ویژه‌ای در مناطق شرق آسیا در حیطه پذیرش ساختاری و بافتاری حقوق بشر جهانی وجود دارد؛ به طوری که عملاً فرهنگ‌های قومیتی و محلی در مناطق خاصی، بر کیفیت تفسیر مواد حقوق بشر، تاثیرگذار است (Bauer & Bell, 1999). بی‌تردید پذیرش این مواد، فرهنگ‌ها را با محدودیت‌های خاصی مواجه می‌سازد.

(۲) **تاثیرگذاری نوع خاص سیاست و قدرت:** در بسیاری از کشورهای شرقی، حقوق بشر تحت تأثیر سیاست‌های دولتی و حاکمیت‌ها قرار می‌گیرد. استفاده از حقوق بشر به عنوان ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به قدرت، می‌تواند عملکرد واقعی حقوق بشر را تضعیف کند. به طوری که برخی حاکمیت‌ها از عنصر حقوق بشر جهت مشروعیت‌بخشی به قدرت خود استمداد می‌جویند (Ropp & et al., 2013). در بسیاری از کشورهای شرقی، دولت‌ها به دلایل مختلفی از جمله کنترل اجتماعی و سیاسی، به حقوق بشر اهمیت کمی می‌دهند. در برخی موارد، دولت‌ها از مفهوم حقوق بشر به عنوان ابزاری برای سرکوب مخالفان یا به عنوان مقدمه و دست‌آویزی جهت احتفاظ قدرت خود استفاده می‌کنند. به عنوان مثال، قوانین سخت‌گیرانه در زمینه آزادی بیان و حق تجمع می‌توانند نشان‌دهنده تضاد بین تعهدات حقوق بشری و واقعیت‌های سیاسی باشند. در برخی مواضع، دولت‌های شرقی ارزش‌های فرهنگی را به عنوان یک نوع دلیل قابل استناد برای محدود کردن برخی از مصادیق حقوق بشر به‌کار می‌برند. مهم‌ترین راهکارهای عملیاتی، ورود حقوق بشر جهانی و تأمل برای مشارکت‌های بیشتر جامعه مدنی و فعالان حقوق بشر در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی است که نتیجه آن می‌تواند اصلاحات قانونی در جهت رفع خلاءها یا محدودیت‌های غیرمنطقی باشد. چنانکه براساس اسناد و مدارک، سازمان‌های غیردولتی و فعالان حقوق بشر می‌توانند به شکلی منطقی و قابل توجه موجبات بهبود عملکرد نسبت به شرایط حقوق بشر را فراهم سازند (Keck & Sikkink, 1998). همچنین آموزش آحاد جامعه و

آگاهی‌رسانی به اقشار آن می‌تواند در رفع این چالش، راهکارهای اساسی ارائه دهد. چراکه عملاً آموزش و اعطای آگاهی به افراد جامعه می‌تواند توسعه یا بهبود شرایط عملکرد به مبانی و مواد حقوق بشر را فراهم سازد (Freeman, 2011).

۳) تحرک اجتماعی و اقتصادی: با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی متفاوت، برخی از کشورهای شرقی نمی‌توانند به راحتی به تعهدات حقوق بشری خود عمل کنند. فقر و نابرابری اجتماعی می‌تواند مانع از تحقق کامل حقوق بشر شوند. لذا، بین فقر و نابرابری و عمل کردن براساس تعهدات و قیود حقوق بشر، ارتباط منطقی (سامان‌داری) وجود خواهد داشت (Pogge, 2008). جهانی شدن به شکل‌گیری دیالوگ‌های بین‌المللی درباره حقوق بشر کمک کرده، اما در عین حال ممکن است منجر به درگیری بین استانداردهای بین‌المللی و اعتقادات محلی شود. کشورهای شرقی ممکن است با فشارهای بین‌المللی برای رعایت حقوق بشر مواجه شوند، اما این فشارها ممکن است منجر به واکنش‌های منفی نسبت به آنچه که به عنوان مداخله در امور داخلی دیده می‌شود، گردد.

۷. نتیجه‌گیری

♦ با توجه به اینکه رهیافت شرقی به مباحث حقوق بشر دارای دیدگاه‌های چندبعدی است که متأثر از فرهنگ، تفکرات دینی، تاریخ و ملاحظات سیاسی و شرایط اجتماعی در طول دوران‌های مختلف بوده، مبانی اخلاقی و عملکردی حقوق بشر در رهیافت شرقی نیازمند بررسی دقیق و تأمل در تفاوت‌های فرهنگی و تاریخی است. این رهیافت، با در نظر گرفتن تنوع و پیچیدگی‌های موجود، امکان ارائه تفسیری جامع‌تر و مناسب‌تر از حقوق بشر را فراهم می‌سازد.

♦ رویکرد خاص رهیافت شرقی نسبت به حقوق بشر، براساس شاخص‌ها و خصوصیات مذکور، رویکردی مفید است؛ زیرا با عنایت به اینکه یکی از خصوصیات بارز رهیافت شرقی، تأکید و توجه به مسئولیت‌های اجتماعی و ترجیح اجتماع و جمع است، در تقابل با رویکرد غربی در حقوق بشر که به فرد و اومانیزم توجه ویژه دارد، به ثمره‌ای متعادل بین فرد و جمع ختم می‌شود و مفهوم کارآمدتری برای تحلیل حقوق بشر ارائه خواهد داد. لذا، رهیافت شرقی با تأکید بر مسئولیت‌های اجتماعی و اولویت دادن به جمع در مقابل فردگرایی غربی، رویکردی متعادل و کارآمد در تحلیل حقوق بشر ارائه می‌دهد. این تعادل نه تنها به تقویت همبستگی اجتماعی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به عنوان الگویی برای حل چالش‌های جهانی حقوق بشر مورد استفاده قرار گیرد.

♦ چالش‌های مبتنی بر تفاوت‌های فرهنگی جوامع و احترام به هر یک از آنها، به غنای گفتمان بین فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و پالایش سوگیری‌های غیرمتعادلانه کمک خواهد کرد؛ زیرا رهیافت شرقی رویکرد و تعریف نوینی از حقوق بشر را ارائه می‌دهد که می‌تواند به حل چالش‌های جهانی کمک کند. به عنوان

مثال، بحث‌های مربوط به احترام به فرهنگ‌ها، احترام به محیط زیست، حقوق افراد، ارزشمندی اخلاقیات عملی و در حقیقت، کاربست مدرکات عقل عملی در عناصر حقوق بشر و نقد دیدگاه‌های غربی متعارض با ارزش‌ها و سنت‌های غیرغربی، قابلیت گفتمان‌های منطقی و تحلیل عادلانه و هماهنگی را خواهد داشت. لذا، امکان نقد دیدگاه‌های غربی و ارائه راهکارهای منطقی و عادلانه را فراهم می‌کند. از این رو می‌توان گفت که برای رسیدن به یک سیستم حقوق بشری موثر، لازم است که این تفاوت‌ها مد نظر قرار گیرد و راهکارهای مناسب برای مقابله با چالش‌ها ارائه شود.

♦ عناصر بنیادین حقوق بشر در رهیافت شرقی نیازمند تجدید نظر در تفسیر و عملکرد است. چراکه برای تحقق بهتر حقوق بشر در چارچوب رهیافت شرقی، تجدید نظر در تفسیر و عملکرد عناصر بنیادین حقوق بشر، ضرورتی انکارناپذیر است. شناسایی و احترام به تنوع فرهنگی و تاریخی، همراه با تطابق اصول جهانی حقوق بشر با واقعیت‌های قومیتی و محلی، ضمن فراهم‌سازی زمینه جهت توسعه، به تحقق بهتر حقوق بشر کمک خواهد کرد. تطابق بین اصول جهانی حقوق بشر و واقعیت‌های محلی، زمینه را برای پیشرفت در این حوزه فراهم می‌آورد. بنابراین، بحث و تبادل نظر بین جوامع مختلف و به ویژه تقویت همکاری بین کشورها می‌تواند به حل چالش‌های موجود در زمینه حقوق بشر کمک نماید.

منابع

قرآن کریم.

- دال، ژان (۱۳۷۲). *پدیدارشناسی و فلسفه‌های هست‌بودن*. ترجمه یحیی مهدوی. تهران: انتشارات خوارزمی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *لغتنامه دهخدا*. تهران: انتشارات روزنه، چاپ دوم، ج ۹.
- صدوق، ابو جعفر محمد بن علی (۱۴۱۷ق). *الامالی*. قم: تحقیق قسم الدراسات الإسلامية، مؤسسة البعثة.
- عابدی جعفری، حسن و همکاران (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. *اندیشه مدیریت راهبردی*، ۵(۲).
- عباسی، محمود (۱۳۹۵). *حقوق بشر و چالش‌های فرهنگی (با تاکید بر جهان اسلام)*. تهران: انتشارات خرسندی.
- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۷۴). تدوین و اعتلای حقوق بشر در جامعه بین‌المللی. *تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۷-۱۶.
- قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۲). *حقوق بشر در جهان معاصر*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- گلن، جانسون (۱۳۷۸). *اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن*. ترجمه محمدجعفر پوینده. نشر نی.
- گواین، شاکتی (۱۳۷۱). *تجسم اخلاق، تجسم خلاق*. ترجمه گیتی خوشدل. انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ دوم.
- گواین، شاکتی (۱۳۷۳). *زندگی در روشنایی*. ترجمه مزگان بانو مومنی. انتشارات روزبهان.
- مجلسی، محمدباقر (بی‌تا). *بحار الانوار*. قم: انتشارات اسلامی، چاپ چهل و پنجم.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰). *روش تحقیق کیفی ضد روش (منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی)*. نشر جامعه‌شناسان.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۸). *فلسفه‌های شرقی و حقوق بشر*. تهران: انتشارات سروش.
- Balboni, T.A., Vanderwerker, L.C., Block, S.D., Paulk, M.E., Lathan, C.S., Peteet, J.R., Pregerson, H.G. (2007). Religiousness and spiritual support among advanced cancer patients and associations with end-of-life treatment preferences and quality of life. *Journal of Clinical Oncology* 25(5).
- Bauer, J. R. & Bell, D. A. (Eds.). (1999). *The East Asian Challenge for Human Rights*. Cambridge University Press.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*.
- Carr, B.W. & Lewis, A.J. (Eds.). (2018). *Human rights in Asia: A comparative study of the domestic human rights legal systems of twelve Asian jurisdictions, France and the USA*. Carolina Academic Press.
- Chan, J. (1999). *A Confucian perspective on human rights*. In: J.R. Bauer & D.A. Bell (Eds.), *The East Asian challenge for human rights* (pp. 212–239). Cambridge University Press.
- De Bary, W.T. (1998). *Asian Values and Human Rights: A Confucian Communitarian Perspective*. Harvard University Press.
- Donnelly, J. (2013). *Universal Human Rights in Theory and Practice*. Cornell University Press.
- European Convention on Human Rights* (1950).

- Freeman, M. (2011). *Human Rights: An Interdisciplinary Approach*. Polity Press.
- International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights* (1966).
- Keck, M. E. & Sikkink, K. (1998). *Activists Beyond Borders: Advocacy Networks in International Politics*. Cornell University Press.
- Muller, P.S., Plevak, D.J. & Rummans, T.A. (2001). *Religious involvement, spirituality, and medicine: implications for clinical practice*. Mayo Clin Proc.
- Pogge, T. (2008). *World Poverty and Human Rights*. Polity Press.
- Rio Declaration on Environment and Development* (1992).
- Ropp, R. & et al. (2013). *The Persistent Power of Human Rights: From Commitment to Compliance*. Cambridge University Press.
- Scharf, B.R. (1973). *The Essential Tao: An Initiation into the Heart of Taoism through the Authentic Tao the Ching and the Inner Teachings of Chuang-Tzu*, *The Sociological study of Religion*, Hutchinson.
- Scharf, B.R. (1973). *The Sociological study of Religion*. Hutchinson University Library, London.
- Sen, A. (1997). *Human Rights and Asian Values*. The New Republic.
- Stcherbatsky, T.H. (1923). *The Central Conception of Buddhism and the Meaning of the Word 'Dharma'*. London: Royal Asiatic Society.
- Stockholm Declaration on the Human Environment* (1972).
- Universal Declaration of Human Rights* (1948).
- Weber, M. (1958). *The Religion of India: The Sociology of Hinduism and Buddhism*. Trans. H.H. Gerth & D. Martindale. Glencoe, Ill.: Free Press.